

# تأثیر روش انتخاب قاضی بر استقلال قاضی در حقوق ایالات متحده با نگاهی به حقوق ایران

ابراهیم عزیزی<sup>۱\*</sup>، محسن امیری<sup>۲</sup>، محمدرضا ویژه<sup>۳</sup>

۱. استادیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

۳. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۱/۴/۵

پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۴

## چکیده

در این مقاله به بررسی و نقد روش‌های انتخاب قاضی و تأثیر آن بر استقلال قاضی در حقوق ایالات متحده می‌پردازیم. سپس نگاهی تطبیقی به وضعیت حقوق ایران خواهیم داشت. در این بررسی درخواهیم یافت که اگرچه نحوه انتخاب قضات فدرال ایالات متحده فرایندی سیاسی است، اما به دلیل وجود امنیت شغلی، فاقد تأثیر بر استقلال کارکردی قاضی است. انتخابات قضایی در سطح ایالات نیز علیرغم مشکلات و چالش‌هایی که در خصوص استقلال قضایی به بار آورده، دارای مزایا و منافع بسیار است، به نحوی که نظام حقوقی ایالات متحده رغبتی به کنار گذاشتن انتخابات قضایی ندارد. با مطالعه تطبیقی موضوع در نظام حقوقی ایران در می‌یابیم، شرایط سیاسی و اعتقادی که قانونگذار ایرانی جهت تعیین شرایط انتخاب‌پذیری شغل قضاوت و نحوه انتصاب قاضی معین کرده، از یک سو حقانیت دموکراتیک این مقامات را تنزل داده و از سوی دیگر ایشان را وادار مقامات سیاسی قرار داده است.

واژگان کلیدی: انتخابات قضایی، قضات، استقلال قاضی.



## ۱. مقدمه

استقلال قاضی از جمله تضمین‌های مؤثر تحقق حکومت قانون و دادرسی عادلانه است. استقلال قاضی بدین معنا است که قاضی در جایگاه دادرسی نسبت به موضوع مطرح شده با آزادی کامل و بر مبنای واقعیت‌ها و بر پایه موازین حقوقی و بدون هرگونه دخالت، فشار و یا نفوذ نادرست از جانب هریک از بخش‌های حکومت یا جای دیگر، رسیدگی و تصمیم‌گیری کند. یکی از سازوکارهای تضمین استقلال قاضی، انتخاب قاضی به نحو شایسته است. وجود قضات متعهد و واجد شرایط، امری اساسی برای تحقق استقلال قاضی است. قضاتی که واجد شرایط نباشند، شأن و منزلت و استقلال دستگاه قضایی را تنزل می‌دهند و آسیب‌پذیری بیش‌تری از تأثیرات خارجی دارند [۱، ص ۱].

انتخاب یا انتصاب قاضی باید مبتنی بر ضوابط عینی باشد و توسط نهادی مستقل و بدون طرفداری سیاسی صورت گیرد. بنابراین فرایند انتخاب یا انتصاب باید منصفانه و بی‌طرفانه باشد.

توافقی در مورد این‌که بهترین روش انتخاب قاضی کدام است، وجود ندارد. هریک از روش‌های انتخاب از طریق «انتخابات» و همچنین «انتصاب» دارای مزیت‌ها و مشکلاتی است. هم کشورهای دارای نظام حقوق عرفی و هم کشورهای دارای نظام حقوق نوشته، به طور سنتی دو روش متمایز را برای انتخاب قاضی اتخاذ کرده‌اند. در کشورهای دسته اول، قضات معمولاً از بین حقوقدانان با تجربه و وکلای با سابقه انتخاب می‌شوند. اما کشورهای دارای حقوق نوشته، به طور سنتی از نظام شغلی پیروی می‌کنند. فارغ التحصیلان دانشکده‌های حقوق از طریق ارزیابی مسائل ماهوی انتخاب می‌شوند [۱، ص ۲-۳].

به هر حال، هرچه شیوه‌گزینش و انتخاب قاضی بیش‌تر بر شایستگی و قابلیت‌های فردی و معیارهای عینی و سنجش‌پذیر استوار باشد، در عمل می‌توان قضاتی با استقلال رأی و اعتماد به نفس در نظام قضایی مشاهده کرد. به عکس چنانچه استخدام و گزینش قضات بر معیارهای نامتعارف و مبهم و روابط ناسالم و سیاسی، نه بر پایه توانایی‌های

علمی و تجربی استوار باشد، دایره استقلال به نفع توصیه‌پذیری و پیروی از مقام‌های بالادست محدود خواهد شد [۲، ص ۷].

روش انتخاب قاضی در نظام حقوقی ایالات متحده از مناقشه برانگیزترین و مهم‌ترین مباحث مربوط به استقلال قضایی در این کشور است، به نحوی که بیش‌ترین مباحثات را به خود اختصاص داده و در این باره ده‌ها تحقیق صورت گرفته است. قضات فدرال و ایالتی، از طریق شش روش متفاوت انتخاب می‌شوند. لازم است بررسی جامعی از حیث تأثیر این روش‌ها بر استقلال قاضی صورت گیرد و سپس نظام حقوقی ایران در بستر مقایسه با حقوق ایالات متحده مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲. بررسی تحلیلی روش انتخاب قاضی در حقوق ایالات متحده

در این قسمت به بررسی تحلیلی روش انتخاب قاضی در ایالات متحده در دو سطح فدرال و ایالات، از حیث تأثیر آن بر استقلال قاضی می‌پردازیم.

### ۲-۱. بررسی در سطح فدرال

روش انتخاب قضات فدرال در قانون اساسی ایالات متحده، پیش‌بینی شده است، اما با گذشت زمان رویه‌های دیگری نیز بر نحوه انتخاب قضات به آن افزوده شده است. مطالب مربوط به این مبحث را تحت دو عنوان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۲-۱-۱. روش انتخاب قاضی

روش انتخاب قضات فدرال در قانون اساسی ایالات متحده مشخص شده است. قانون اساسی مقرر می‌دارد رئیس‌جمهور، با مشورت و رضایت سناتورها، سفیران و دیگر وزیران عمومی و کنسول‌ها، قضات دیوان عالی و دیگر مقامات رسمی ایالات متحده (امروزه شامل قضات استیناف و ناحیه‌ای) را که انتصابشان در این قانون به نحو دیگری



پیش‌بینی نگردیده، لکن به موجب قانون مقرر خواهد شد، منصوب می‌کند (بخش ۲ از ماده ۲ قانون اساسی ایالات متحده).

کنگره نمی‌تواند قانونی برای تعیین نحوه انتصاب، مدت تصدی، سن، پیش شرط آموزشی یا حرفه‌ای قضات وضع کند.

بخش ۲ از ماده ۲ قانون اساسی ایالات متحده لازم می‌داند که انتصاب قضات فدرال مشمول ماده ۳ قانون اساسی توسط رئیس جمهور با مشورت و رضایت نمایندگان مجلس سنا انجام گیرد. نامزد قضایی معرفی شده از سوی رئیس جمهور باید رأی دو سوم سناتورها را به دست آورد. سناتورها در سطوح مختلف انتخاب قضات فدرال نقش ایفا می‌کنند [۳، ص ۱۳۹].

سناتورها اختیار خود در تأیید نامزدهای قضایی را به طور متفاوت تفسیر می‌کنند. برخی سناتورها مفهوم (مشورت و رضایت)<sup>۱</sup> را رویه‌ای تشریفاتی می‌دانند؛ مگر آن‌که نامزد قضایی برای منصب قضا نامناسب بوده، معایب جدی در سابقه وی وجود داشته باشد. سناتورهای دیگر نقش خود را مشورت با رئیس جمهور می‌دانند تا رئیس جمهور در انتخاب خود دچار اشتباه نشود. جدا از ویژگی‌های شخصی نامزدها و دیدگاه‌های سیاسی و شخصیتی سناتورها، نتیجه تأیید صلاحیت به طور وسیع ناشی از حساسیت منصب قضایی، ترکیب دادگاه مربوط، روابط سیاسی بین مجلس سنا و رئیس جمهور، و فضای سیاسی قالب در زمان انتصاب است [۴، ص ۴].

تا قبل از سال ۱۹۳۹ نامزدهای قضایی در برابر کمیته قضایی سنا برای تأیید صلاحیت حاضر نمی‌شدند. از این زمان، نامزدهای قضایی به طور معمول به صحن علنی مجلس سنا فرا خوانده می‌شوند و پس از رأی‌گیری و تأیید صلاحیت، در برابر کمیته قضایی سوگند می‌خورند.

در حال حاضر، فرایند انتخاب قضات فدرال توسط رئیس جمهور پیچیده و چندگانه است. دایره داخلی کاخ سفید، پلیس فدرال، سناتورها، وزارت دادگستری، دفتر تحقیقات

---

1. advice and consent

فدرال، کانون وکلای آمریکا در این امر نقش دارند. اولین مرحله، نظرسنجی از سناتورهای است. اغلب نامزدها برای دادگاه‌های ناحیه‌ای از سوی سناتورهای ایالت مربوط به رئیس جمهور پیشنهاد می‌شوند. در صورتی که سناتور آن ایالت از گروه سیاسی رئیس جمهور نباشد، نامزدهای قضایی از سوی فرماندار یا نمایندگان مجلس ملی به رئیس جمهور پیشنهاد می‌شوند. اما در مورد انتصاب قضات دادگاه‌های استیناف، وضعیت پیچیده‌تر است؛ زیرا دادگاه‌های استیناف در درون یک ایالت نیستند. در این خصوص از دوره رئیس جمهوری ریگان، کمیته‌ای برای گزینش به ریاست دادستان کل به علاوه مقامات عالی رتبه وزارت دادگستری<sup>۱</sup> و سناتورهایی که رئیس جمهور معین می‌کند، ایجاد شد. کمیته مزبور توصیه‌هایی را راجع به مناصب خالی قضایی، با رایزنی پلیس فدرال و اخذ نظر از کانون وکلای آمریکا، به رئیس جمهور ارائه می‌دهد.

دفتر تحقیقات فدرال و پلیس فدرال در مورد سابقه کیفری نامزدهای قضایی، تحقیق کرده، [۵، ص ۳۱۶] فهرست نامزدهای واجد شرایط جهت اظهار نظر به کانون وکلای آمریکا ارجاع می‌گردد. کمیته ۱۲ نفری کانون وکلای آمریکا که در سال ۱۹۶۶ تأسیس شده، شرایط حرفه‌ای کاندیداها<sup>۲</sup> را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. کمیته مزبور پس از بررسی و مطالعه‌ای که معمولاً ۶ تا ۸ هفته زمان می‌برد نظر خود را با درجه‌ای که برای نامزد قضایی در نظر گرفته (عالی، خوب، واجد شرایط، فاقد شرایط) به اطلاع وزارت دادگستری می‌رساند. وزارت دادگستری فهرست پیشنهادی را به رئیس جمهور ارائه می‌دهد. نهایتاً رئیس جمهور نامزد قضایی را با موافقت و رضایت مجلس سنا منصوب می‌کند [۶، ص ۳۱۶].

قانون اساسی و سایر قوانین، شروط معینی را برای تصدی امر قضا مشخص نکرده‌اند؛ اما در عمل این مطلب بدان معنا نیست که وجود هیچ شرطی برای قاضی

۱. این مقامات شامل وزیر دادگستری و معاونین وی می‌گردند.

۲. شرایط حرفه‌ای کاندیداها شامل سابقه کار حقوقی و تحصیلات دانشگاهی می‌گردد که معیاری عینی، شفاف و قابل ارزیابی محسوب می‌گردد.

لازم‌الرعايه نیست؛ زیرا در چندین مرحله، صلاحیت حرفه‌ای نامزدهای قضایی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

عامل سن نیز در انتخاب قضات اهمیت بسزایی دارد. مطابق آمارها تا سال ۱۹۷۳ سن قضات از ۴۰ تا ۴۵ سال شروع می‌شود. در دولت‌های اروپای قاره‌ای و به تبع آن در ایران، قضاوت، حرفه و شغل تلقی می‌شود و لازم است شخصی که نامزد تصدی این شغل می‌شود، شروط عام کارمندی را که در قوانین استخدامی ذکر شده است دارا باشد؛ در حالی که در کشورهای دارای نظام حقوق عرفی و در رأس آن‌ها انگلستان و آمریکا، منصب قضا نوعی پاداش است که شخص به خاطر پرداختن به عمل حقوقی در محاکم در جایگاه وکالت، صلاحیت برخورداری از آن را پیدا می‌کند. منصب قضا در آمریکا آن قدر اهمیت دارد که گفته‌اند: منصب قضا باید به دنبال شخص بگردد، نه این‌که شخص به دنبال آن باشد [۷، ص ۳۹].

## ۲-۱-۲. تأثیر شیوه انتخاب قضات فدرال بر استقلال قاضی

بدون شک فرایند انتخاب قضات توسط رئیس جمهور و متعاقب آن تأیید صلاحیت آنان توسط سنا فرایندی سیاسی است. انتخاب قضات فدرال توسط رئیس جمهور مهم‌ترین روش رسمی برای تأثیرگذاری مستقیم بر قوه قضاییه است. رئیس جمهور با همکاری سناتورها، مشاوران کاخ سفید، دفتر دادستانی و وزارت دادگستری در درجه اول به دنبال افرادی است که با رویکرد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وی همسو باشند. تحقیقات نشان داده است اکثر افرادی که توسط رئیس جمهور برای مناصب قضایی فدرال انتخاب شده‌اند از حزب سیاسی رئیس جمهورند. این میزان از ۷۸ درصد در زمان رئیس جمهور فورد تا ۹۴ درصد در زمان آیزن‌هاور متغیر بوده است. بنابراین، بسته به تعداد کرسی‌های خالی قضا، فرصتی برای رئیس جمهور فراهم می‌گردد تا با انتخاب قضاتی که بیان‌کننده دیدگاه‌های حقوقی و حزبی وی هستند بر قوه قضاییه تأثیر بگذارد؛<sup>۱</sup> زیرا

۱. تأثیرگذاری رئیس قوه مجریه آمریکا به معنای تأثیر ناروا بر عملکرد قضایی نیست. به هر حال، قاضی مانند ←

قضات خواه ناخواه ترجیحات گروه سیاسی خود را با خود در منصب قضا به همراه خواهند داشت. از سوی دیگر، فرایند تأیید صلاحیت قضات توسط مجلس سنا نیز فرایندی سیاسی است؛ زیرا جدا از ویژگی‌های شخصی نامزدها، دیدگاه‌های سیاسی و شخصی سناتورها در مورد نامزدهای قضایی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. اگر سناتورهای ایالتی که نامزد قضایی قرار است در حوزه انتخابیه آن‌ها به فعالیت بپردازد با نامزدی آن فرد موافق نباشند، بعید است آن فرد در سنا رأی بیاورد [۸، ص ۲۳۴].

از مطالب فوق استنباط می‌شود که فرایند انتخاب قضات فدرال تا حد زیادی فرایندی سیاسی است. گرایش‌های حزبی و سیاسی نامزدها توسط قوه مجریه، در زمان قبل از انتخاب ایشان و متعاقباً توسط سنا طی فرایند تأیید صلاحیت نامزدها، از نزدیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پرسش این است که آیا فرایند مزبور استقلال قضایی را در سطح فدرال تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ آیا قضات فدرال از این جهت وابسته به رئیس جمهور و سنا هستند و آراییی که صادر می‌کنند ملاحظات سیاسی، حزبی و خواسته‌های رئیس جمهور و سنا را با خود دارند؟ قطعاً پاسخ منفی است، چرا که به محض این‌که نامزدهای مزبور به منصب قضا گماشته شدند، به دلیل این‌که مادام‌العمرند و تنها طریق عزل آن‌ها نیز آیین سخت و زمانبر ایراد اتهام و محاکمه<sup>۱</sup> توسط قوه مقننه است می‌توانند احکام خود را بدون هرگونه اعمال نفوذ کنگره و یا رئیس جمهور صادر کنند. در واقع باید میان استقلال کارکردی قضایی (آزادی صدور رأی بدون نفوذ خارجی) و استقلال ساختاری دستگاه قضایی

---

→ سایر افراد جامعه دارای گرایش‌های سیاسی، فلسفی و اجتماعی است. در ایالات متحده انتخاب قضات توسط رئیس جمهور این امکان را برای وی فراهم می‌سازد که با ابزار قانونی در جهت تلطیف قدرت قضاوت قدم بردارد و از قدرت بی حد و حصر قوه قضاییه بکاهد. منطق انتخاب قضات توسط رئیس جمهور مبتنی بر نظام نظارت و تعادل بین قوای سیاسی، اندیشه مهار قدرت توسط قدرت و نظارت قضایی گسترده دادگاه‌های آمریکا بر عملکرد قوه مجریه است.

1. impeachment



تمایز قائل شد [ ۹، ص ۳؛ ۶، ص ۳۱۶؛ ۵، ص ۱۱۵۴؛ ۱، ص ۵].  
از سوی دیگر تحقیقات صورت گرفته در دانشگاه ییل و کلمبیا نشان می‌دهد رابطه‌ای  
بین عضویت قبلی قضات فدرال در گروه سیاسی خاص (دمکرات یا جمهوریخواه) و بیان  
کردن دیدگاه‌های آن گروه در تصمیمات قضایی وجود ندارد. محققان اطلاعات موجود  
در بیش از پنجاه و هفت هزار رأی قاضی فدرال از زمان ویلسون تا کلینتون را مورد  
بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که دیدگاه‌های گروه‌های سیاسی در آرای  
قضات منعکس نمی‌شود. در بسیاری از موارد، قضات تصمیماتی اتخاذ کرده‌اند که  
برخلاف دیدگاه‌های گروه سیاسی که در آن عضویت دارند بوده است. رویه دیوان عالی  
فدرال و محاکم تالی نیز حاکی از آن است که قضات در تصمیم‌گیری‌های خود در اکثر  
قریب به اتفاق موارد مستقل عمل کرده‌اند [۳، ص ۱۳۹].<sup>۱</sup>

مطالعه تجربی دیگری در دانشگاه ایالتی اوهایو در مورد بیست و دو هزار رأی  
قضات فدرال نشان می‌دهد قضات آزادند براساس ادراک شخصی خود رأی دهند. این  
آزادی می‌تواند نشانه استقلال آن‌ها باشد. مطالعه دیگری با فرض این‌که قوه قضاییه  
وابسته است و این‌که برخی از قضات باید رأی خود را هنگام تغییرات در صحنه سیاسی  
کشور تغییر دهند، نشان می‌دهد که این تغییرات در رویکرد قضات تأثیر نمی‌گذارد و این  
مقامات براساس ترجیحات سیاسی کنگره و قوه مجریه رأی نمی‌دهند [۱۰، ص ۴].

## ۲-۲. بررسی روش‌های انتخاب قاضی در سطح ایالات

در نظام فدرال آمریکا، به موجب قانون اساسی فدرال، هریک از ایالات، قانون اساسی

۱. به طور مثال، دیوان عالی فدرال در پرونده براون علیه برد آف ادوکیشن دکترین «جدایی و تساوی» نژادی را لغو کرد. همچنین در دعوی اینگل علیه ویتال، دعا‌های اجباری مذهبی روزانه را در مدارس عمومی ممنوع کرد. در پرونده تگزاس علیه جانسون مقرر داشت: آزادی بیان شامل آتش زدن پرچم آمریکا نیز می‌شود. در دعوی رو علیه وید مقرر داشت: حق حریم خصوصی شامل حق زنان برای سقط جنین می‌شود. در پرونده رومر علیه ایوانس قانون ایالتی را که قصد داشت حق همجنس‌گرایان را انکار کند، لغو کرد. این آرا با مخالف قوه مجریه و مقننه و مردم آمریکا روبه‌رو شده است و می‌تواند حاکی از استقلال این قضات فدرال باشد.



خاصی دارد که تشکیل قوای عمومی و شروط و شیوه‌های انتخاب قضات را موافق با فلسفه سیاسی پذیرفته شده مشخص می‌سازد. پنجاه ایالت آمریکا حداقل پنج روش متفاوت برای انتخاب تقریباً چهل هزار قاضی به کار گرفته‌اند.

۱. انتصاب فرماندار با تأیید قانونگذاران،<sup>۱</sup>

۲. انتصاب قانونگذاران،<sup>۲</sup>

۳. انتخاب از طریق انتخابات هوادارانه،<sup>۳</sup>

۴. انتخاب از طریق انتخابات غیر هوادارانه،<sup>۴</sup>

۵. انتخاب از طریق انتخاب شایستگان.<sup>۵</sup>

بجز در سه ایالت، قضات برای مدتی محدود انتخاب می‌شوند و برای باقی ماندن در منصب خود باید در انتخابات شرکت کنند. حتی قضاتی که از طریق انتصاب فرماندار و یا قانونگذاران و یا روش انتخاب شایستگان انتخاب شده‌اند باید برای باقی ماندن در منصب خود، در انتخابات قضایی که به «ابقا»<sup>۶</sup> معروف است، شرکت کنند [۱، ص ۶].

در اوایل ایجاد کشور ایالات متحده، قضات در هیچ حوزه قضایی با انتخابات مردمی انتخاب نمی‌شدند، بلکه توسط فرماندار یا قانونگذاران منصوب می‌گشتند؛ اما انتصاب قضات به سرعت کنار گذاشته شد و جای خود را به انتخابات قضایی داد. ایالت ویرجینیا اولین انتخابات را برای انتخاب قضات در سال ۱۸۱۲ برگزار کرد. ایالت ایندیانا در سال ۱۸۱۶ از آن متابعت کرد و بعد از آن ایالت نیویورک و می‌سی‌سی‌پی انتخابات قضایی را برگزار کردند تا این‌که امروزه بجز در دو ایالت، در تمام ایالات نوعی از انتخابات قضایی<sup>۷</sup> (هوادارانه، غیر هوادارانه، ابقا) برگزار می‌شود.

از نظر منطقی، می‌توان چنین برداشت کرد که حرکت به سوی انتخابات قضایی به

---

1. gubernatorial selection and legislative approval

2. legislative selection

3. partisan election

4. non partisan election

5. merit selection

6. retention election

7. judicial election



منظور افزایش پاسخگویی دموکراتیک قوه قضاییه در برابر ترجیحات مردمی صورت گرفته است. بسیاری از مردم آمریکا قضات انتصابی را فاقد استقلال می‌دانستند. آن‌ها معتقد بودند فرماندار و قانونگذاران از قضات برای خدمت به گروه سیاسی خود استفاده می‌کنند. بدین ترتیب حرکت به سوی انتخابات قضایی به منظور ارتقا پاسخگویی به ترجیحات مردم و در عین حال، افزایش استقلال قضایی با جدا کردن قضات از وابستگی به فرمانداران و قانونگذاران آغاز شد و انتخابات قضایی ایالات متحده را فرا گرفت [۱۱، ص ۳-۱]. روش‌های انتخاب قضات ایالتی را تحت سه عنوان می‌توان بررسی کرد:

#### ۲-۱. روش انتخاب از طریق انتخابات هوادارانه و غیر هوادارانه

روش انتخاب هوادارانه شبیه انتخابات سیاسی است. این روش به قضات اجازه می‌دهد که برای انجام فعالیت‌های انتخاباتی خود، از گروه‌های سیاسی کمک بگیرند و به‌عنوان قضات جمهوریخواه و دمکرات در صحنه انتخابات رقابتی حاضر شوند. برعکس انتخابات غیر هوادارانه یا غیر سیاسی به قضات اجازه پیوستگی و کمک گرفتن از گروه‌های سیاسی را نمی‌دهد [۱، ص ۶]. حرکت به سوی انتخابات غیر هوادارانه، نقطه شروع برای اصلاحات بود. در حال حاضر هشت ایالت دارای انتخابات هوادارانه و سیزده ایالت دارای انتخابات غیر هوادارانه هستند. قضات در این دو نوع از انتخابات، مانند سایر کاندیداهای سیاسی (قوای مقننه و مجریه)، در قبال رأی‌دهندگان پاسخگویند و در واقع باید برای انتخاب اولیه و مجدد خود، وابسته به رای مردمند. مردم در این انتخابات، تصمیم می‌گیرند آیا نامزد قضایی برای منصب قضا مناسب است یا خیر [۱۲، ص ۷].

این نوع از روش انتخاب قضات با هدف ارتقای هرچه بیشتر پاسخگویی قضات در برابر مردم و افزایش حقانیت دموکراتیک قوه قضاییه شکل گرفته است [۱۳، ص ۱۱]. حرکت به سوی انتخابات هوادارانه در طول مدت تصدی رئیس جمهور جکسون در خلال سال‌های ۱۸۳۰-۱۸۲۰ به وجود آمد. تا سال ۱۹۰۹، سی و پنج ایالت انتخابات هوادارانه را برای انتخاب قضات اتخاذ کردند. در پاسخ به مشکلات انتخاب هوادارانه و به

دلیل سیاسی شدن مبارزات انتخاباتی، حرکت به سوی انتخاب غیر هوادارانه آغاز شد. در سال ۱۹۳۰، دوازده ایالت جدید، از روش انتخابات غیر هوادارانه پیروی کردند [۱۴، ص ۵].

مهم‌ترین مزیت انتخابات هوادارانه و غیر هوادارانه آن است که از تأثیرگذاری قوه مجریه و قوه مقننه بر فرایند انتصاب قضات و وابستگی به این مقامات جلوگیری می‌کند و از این منظر، استقلال قضایی را در برابر مقامات سیاسی بالا می‌برد. اما تأثیر نامطلوب این شیوه انتخاب آن است که موجب وابستگی قضات به ترجیحات مردم می‌گردد.

## ۲-۲-۲. روش انتخاب قضات از طریق انتخاب شایستگان

در سال ۱۹۱۳ پنجمین روش انتخاب قضات که به روش انتخاب شایستگان مشهور است، به وجود آمد. در این روش، انتصاب قضات توسط فرماندار ایالت صورت می‌گیرد. اما انتخاب فرماندار از بین کاندیداهایی که صلاحیت فردی و حرفه‌ای آن‌ها توسط کمیسیون مستقل<sup>۱</sup> بررسی شده است، انجام می‌گیرد. قضاتی که از این طریق انتخاب می‌شوند، بعد از مدتی معین و به طور مکرر باید در انتخابات برای ماندن در منصب قضا شرکت کنند. این انتخابات که به انتخابات برای ابقا<sup>۲</sup> معروف است، رقابتی نیست و در آن از رأی‌دهندگان (مردم) سؤال می‌شود که آیا قاضی مورد نظر در منصب قضا باقی بماند یا خیر [۳، ص ۱۴۰]. رأی‌دهندگان با رأی (آری یا نه) نظر خود را راجع به ابقای قاضی بیان می‌کنند. در شکل‌گیری این روش انتخاب، کانون وکلای آمریکا و جامعه قضات آمریکا نقش داشتند. در اوایل سال ۱۹۰۳ جامعه قضات آمریکا و کانون وکلای آمریکا، به منظور بهبود استقلال قضائی، روش انتخاب شایستگان را به وجود آوردند. این دو نهاد در حال حاضر نیز از این روش انتخاب قاضی حمایت می‌کنند و انتخابات هوادارانه و غیر

۱. ترکیب کمیسیون‌های ایالتی مرکب از قضات، وکلای داگستری و مردم عادی ایالت مربوط است. تعداد و شرایط انتخاب اعضای کمیسیون‌ها از ایالتی به ایالت دیگر متفاوت است. استقلال کمیسیون‌ها از این منظر قابل توجیه است که نمایندگان قوه مجریه و مقننه در ترکیب کمیسیون‌ها حضور ندارند.

2. retention election



هوادارانه را مناسب نمی‌دانند.

در سال ۱۹۴۰، میسوری اولین ایالتی بود که روش انتخاب شایستگان را به کار برد. به دنبال آن چندین ایالت این روش را اتخاذ کردند. روش انتخاب شایستگان و کمیسیون‌های بررسی صلاحیت مانند شورای عالی قضایی عمل می‌کنند. طرفداران روش انتخاب شایستگان معتقدند که این روش، کاندیدای قضایی واجد صلاحیت‌تری را نسبت به سایر روش‌ها به عنوان قاضی انتخاب می‌کند و مانع نفوذ گروه‌های سیاسی می‌شود و در صورتی که قاضی عملکرد جانبدارانه و سیاسی اتخاذ داشته باشد در انتخابات ابقا کنار گذاشته خواهد شد [۱۲، ص ۹؛ ۱۱، ص ۲]. اما منتقدان معتقدند که در این روش حقانیت دموکراتیک قاضی تنزل می‌یابد.

#### ۲-۳-۲. روش انتصاب قاضی توسط قوه مقننه و فرماندار

روش انتصاب قضات شیوه دیگری است که در سطح ایالات اجرا می‌شود. این انتصاب توسط فرماندار یا قوه مقننه انجام می‌شود و کاملاً در صلاحیت مقام انتصاب‌کننده است. این مقامات ممکن است با نهادهای دیگر در این خصوص مشورت کنند. این انتصاب ممکن است با پیشنهاد فرماندار و تأیید قانونگذاران (در پنج ایالت) یا انتصاب قانونگذاران (در هشت ایالت) صورت گیرد. پس از انتصاب توسط مقامات سیاسی فوق، قاضی باید بعد از مدتی معین، برای باقی ماندن در منصب قضا در انتخابات (ابقا) شرکت کند. در این انتخابات غیر رقابتی از رأی‌دهندگان سؤال می‌شود که آیا قاضی مورد نظر می‌تواند در منصب قضا باقی بماند یا خیر. رأی‌دهندگان با رأی (آری یا نه) نظر خود را در این مورد اعلام می‌کنند [۱۵، ص ۱۲]. این نوع روش انتخاب قاضی نیز دارای منتقدان و طرفدارانی است. منتقدان این روش استدلال می‌کنند که قضات به روشی غیر دموکراتیک منصوب می‌شوند و وادار مقامات انتصاب‌کننده‌اند؛ اما طرفداران این شیوه معتقدند که صلاحیت مقامات انتصاب‌کننده برای انتخاب افراد شایسته کافی است و مردم می‌توانند در انتخابات برای ابقا در خصوص باقی ماندن یا نماندن قاضی در منصب قضا تصمیم‌گیری کنند.

## ۲-۳. نقد انتخابات قضایی

انتخابات قضایی در سطح ایالات دارای طرفداران و مخالفان بسیاری است. با توجه به این‌که در تمام ایالات نوعی از انتخابات قضایی برگزار می‌گردد، لازم است به بررسی دلایل موافقین و مخالفین این روش انتخاب قاضی بپردازیم تا تأثیر انتخابات قضایی را بر استقلال قاضی دریابیم [۱۶، ص ۶۰۳].

### ۲-۳-۱. دلایل مخالفان انتخابات قضایی

درخصوص تأثیرات نامطلوب انتخابات قضایی بر استقلال قضایی تحقیقات بسیاری انجام شده است. انتقاداتی بر انتخابات قضایی مطرح است که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان تحت موارد ذیل مورد بررسی قرار داد.

الف) در انتخابات قضایی، قضات باید مانند سایر سیاستمداران (مقامات قوای مجریه و مقننه) برای باقی ماندن در منصب قضایی تلاش کنند. هزینه مبارزات انتخابات قضایی در حال افزایش است و نیازمند هزینه چند صد هزار دلاری برای به دست آوردن منصب قضا است. این امر مستلزم آن است که قضات نیازمند حمایت مالی و مادی باشند و برای به دست آوردن هزینه مبارزات انتخاباتی، به گروه‌های سیاسی ذینفوذ و مردم متوسل شوند. کسانی که هزینه مبارزات انتخاباتی قاضی را فراهم کرده‌اند، یعنی وکلا، مؤسسات حقوقی، گروه‌های سیاسی و مردم عادی ممکن است بعداً نزد همان قاضی حاضر شوند. با توجه به این‌که قاضی برای پیروزی خود در انتخابات مدیون این افراد است، بی‌طرفی و استقلال قاضی مورد تردید است [۱۷، ص ۹۵؛ ۱۸، ص ۵۶؛ ۱۹، ص ۷۳].

با در نظر گرفتن تعهدات مالی و غیرمالی قضات به افراد و گروه‌های فوق، استقلال قضایی آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد [۱، ص ۷]. بنابراین، انتخابات قضایی به هدف اولیه خود که جلوگیری از دخالت افراد و گروه‌های ذینفوذ سیاسی در انتخاب قضات بود، نائل نشده است.

دخالت افراد و گروه‌های ذینفوذ و سیاسی در روش انتخاب هواداران و وضعیت



نابهنجاری دارد. قضات باید کمیسیون مبارزات انتخاباتی تشکیل دهند و مانند کاندیداهای سیاسی به منابع مالی و تبلیغاتی رأی‌دهندگان نیاز داشته باشند و احیاناً باید متعهد شوند که ترجیحات و اعتقادات رأی‌دهندگان را بیان کنند. عدم پاسخگویی در قبال خواست عمومی و ترجیحات مردم منجر به کنار گذاشتن آن‌ها در دوره بعدی خواهد شد [۲۰، ص ۱۹]. این امر نیز استقلال و بیطرفی قضایی را مورد تردید قرار می‌دهد.

سیاسی شدن مبارزات انتخاباتی و رقابتی بودن آن منجر می‌شود که کاندیداهای قضایی برای از میدان به‌درکردن رقبای انتخاباتی خود، سخنرانی‌هایی را علیه آن‌ها مطرح کنند. اگرچه کد رفتار قضایی ایالات متحده، فعالیت‌های سیاسی قضات را محدود می‌کرد و مقرر می‌داشت: قضات نباید سخنرانی سیاسی داشته باشند و نباید به طور علنی از کاندیداهای قضایی دیگر انتقاد کنند، اما دیوان عالی فدرال در پرونده ریپابلیکن پارتی آف مینوسوتا علیه وایت<sup>۱</sup> اعلام کرد که کاندیداهای قضایی مطابق اصلحیه اول قانون اساسی دارای این حق هستند که نظرهای خود را در تمام مسائلی که مربوط به آن‌ها می‌شود، اعلام کنند و مقررات کد رفتاری را مغایر قانون اساسی دانست [۱۳، ص ۱۳].

ب) در برخی ایالات، انتخابات قضایی، تبدیل به وسیله‌ای برای تنبیه و تلافی قضاتی شده که آرای مغایر با خواست و اراده عمومی صادر کرده‌اند. این امر مصونیت شغلی قضات را با تهدید مواجه ساخته است. برای مثال قاضی پنی وایت<sup>۲</sup> در ایالت تنسی، به همین دلیل نتوانست در انتخابات برای ابقا رأی بیاورد. این قاضی در آرای که در بیش‌تر پرونده‌ها صادر می‌کرد از تأیید حکم اعدام خودداری می‌ورزید. نفرت عمومی از وی باعث شد که تبلیغات گسترده‌ای علیه‌اش صورت بگیرد و مردم به ابقای وی رأی منفی بدهند [۲۱، ص ۱۴۲-۱۴۳].

ج) هزینه انتخابات قضایی در حال افزایش است و در برخی ایالات مستلزم هزینه چندین میلیون دلاری برای به دست آوردن منصب قضا است. منابع مالی وسیله اصلی

---

1. Republican Party of Minnesota v. White  
2. Penny White

برای به حرکت در آوردن مبارزات انتخاباتی است که عموماً از سوی وکلا، مؤسسات حقوقی، مردم عادی و گروه‌های سیاسی و ذینفوذ تأمین می‌شود [۱، ص ۷-۸].  
پول نقش عمده‌ای در پیروزی نامزدهای انتخاباتی ایفا می‌کند. تحقیقات در مورد دیوان عالی تگزاس نشان می‌دهد که میزان منابع مالی دریافت شده توسط کاندیداها، بهترین وسیله برای پیش‌بینی برنده انتخابات است [۱، ص ۷-۸؛ ۲۲، ص ۳۸؛ ۲۳، ص ۹۵].

د) انتخابات قضایی موجب کاهش طول مدت تصدی قضات ایالتی شده است. در این حالت قضات برای مدت محدودی به کار گرفته شوند و برای ماندن در منصب قضا باید مجدداً رضایت و رأی مساعد انتخاب‌کنندگان را به دست آورند. این امر ممکن است منجر به محافظه‌کاری قضات شود و آن‌ها را از دادرسی مستقل و بدون تهدید و فشار باز دارد. عملکرد قضایی و رفتاری قاضی در طول مدت تصدی، نقش عمده‌ای در انتخاب مجدد قضات توسط مردم دارد. در صورت عدم پیروی قضات از ترجیحات مردمی، ممکن است توسط رأی‌دهندگان کنار گذاشته شوند [۲۴، ص ۱۵-۱۶]. طول مدت تصدی از جمله مهم‌ترین ساز و کارهای تضمین مصونیت شغلی است. هرچه طول مدت تصدی کمتر باشد، آسیب‌پذیری قضات افزایش می‌یابد. مادام‌العمر بودن قضات بهترین گزینه برای حفظ مصونیت شغلی و به تبع آن، استقلال قضایی است که قضات ایالتی از آن بی‌بهره‌اند.

ه) انتخابات قضایی در برخی موارد موجب برنده شدن برخی افراد ناشایست در انتخابات شده است [۱، ص ۷].

## ۲-۳-۲. دلایل طرفداران انتخابات قضایی

الف) طرفداران انتخابات قضایی استدلال می‌کنند که انتخابات قضایی دارای محاسن بسیاری است. مهم‌ترین دلیل آن‌ها این است که انتخابات قضایی باعث افزایش پاسخگویی



قضایی<sup>۱</sup> می‌شود. انتخابات قضایی موجب می‌شود که قوه قضاییه و قاضی در برابر خواست و اراده مردم پاسخگو باشند و از انحرافات آنان جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر از قرار گرفتن قضات در مسیر استبداد و وابستگی به مقامات سیاسی و سرکوب حقوق و آزادی‌های بنیادین مردم جلوگیری می‌شود؛ زیرا قضات همیشه حافظ حقوق و آزادی‌های مردم نیستند و ممکن است قاضی به ابزار سایر قوای حکومتی برای سرکوب حقوق و آزادی‌های مردم تبدیل شود [۲۵، ص ۶۶۷-۶۶۸].

نظرسنجی انجام شده توسط دانشگاه بیل نشان می‌دهد که انتخابات قضایی روی هم‌رفته بیش‌ترین محبوبیت مردمی<sup>۲</sup> را در بین روش‌های انتخاب دارد. در ایالات متحده، اعتقاد عمومی بر این است که قضات انتصابی اراده اکثریت مردم را نمایندگی نمی‌کنند. بنابراین، انتخابات قضایی همچنان به‌عنوان روشی برای تضمین پاسخگویی قوه قضاییه به ترجیحات رأی‌دهندگان باقی مانده است [۱۳، ص ۱۲-۱۳].

ب) قضات ایالتی به انتخابات به‌عنوان یک فرصت برای ایجاد حمایت مردمی جهت غلبه بر قدرت قانونگذاری و اجرایی نگاه می‌کنند. قضاتی که توسط مردم انتخاب می‌شوند، حقانیت دمکراتیک خود را از مردم می‌گیرند و مستقل‌تر از قضایی هستند که توسط مقامات سیاسی انتخاب می‌شوند. قضات انتخابی با حقانیت دمکراتیک، قدرت منحصر به فردی در جهت حمایت از شهروندان در مقابل حکومت دارند که نه‌تنها دستگاه قضایی را به‌عنوان قوه‌ای برابر در کنار سایر قوا مطرح می‌کند، بلکه موجب اقتدار آن بر دو قوه می‌شود. از سوی دیگر، قدرت نظارت قضایی در ایالات متحده، برای زیر سؤال بردن اعمال قانونگذاری و اعمال مجریه و نیز شکل دادن به حقوق عرفی، نیازمند آن است که قضات حقانیت دمکراتیک بیش‌تری داشته باشند [۲۶، ص ۱۳۶].

ج) در ایالات متحده قضاوت همانند نمایندگی پارلمان بوده، شغل محسوب نمی‌شود، بلکه نوعی پاداش<sup>۳</sup> است که شخص به خاطر پرداختن به عمل حقوقی در جایگاه وکالت،

1. judicial accountability

۲. مطابق تحقیق انجام شده ۷۸ درصد مردم آمریکا موافق انتخابات قضایی هستند.

3. reward



آن‌هم برای مدت طولانی و پس از آبدیده شدن در بوته تجربه، صلاحیت برخوردار از آن را پیدا می‌کند و برعهده مردم است که در یک انتخاب دمکراتیک، این افراد شایسته را که عموماً بالاتر از ۴۰ سال دارند و دارای استقلال شخصی مبتنی بر وجود صلاحیت‌های اخلاقی و علمی هستند انتخاب کنند.

د) روش انتخاب قضات در امریکا، هرچه باشد باید پاسخگویی قضایی را تضمین کند؛ ارزش یا ایده‌های حقوقی که قوه قضاییه نیز باید پاسخگوی جامعه (مردم) باشد. خلاصه آن‌که در ایالات متحده در کنار استقلال قضایی، اعتقاد راسخ به پاسخگویی دموکراتیک وجود دارد [۲۷، ص ۷۷۵-۷۷۶].

ه) استدلال دیگر طرفداران انتخابات قضایی آن است که مطالعات تجربی، نتوانسته است ثابت کند انتخابات قضایی منجر به نقض استقلال قاضی شده است.

مطالعات صورت گرفته [۲۸، ص ۳۴] درخصوص تأثیر شیوه انتخاب قضات بر قدرت نظارت قضایی قضات بر عملکرد دولت و صدور رأی بر مبنای ادراک شخصی قاضی نشان می‌دهد، قضاتی که مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شوند مستقل‌تر از قضاتی هستند که از طریق انتخاب شایستگان انتخاب شده‌اند و قوانین عادی بیش‌تری را مغایر قانون اساسی تشخیص داده‌اند.

آمار زیر درصد اعلام قوانین عادی مغایر با قانون اساسی را توسط قضاتی که به روش‌های مختلف انتخاب شده‌اند نشان می‌دهد و می‌تواند نشانی از میزان استقلال آن‌ها باشد [۲۹، ص ۱۵].

انتخابات هوادارانه	۱۳/۹۲٪
انتخابات غیر هوادارانه	۱۳/۷۰٪
انتصاب توسط قانونگذاران	۱۳/۲۵٪
انتصاب توسط فرماندار	۱۳/۷۱٪
روش انتخاب شایستگان	۸/۱۸٪



### ۳. نگاهی به نظام حقوقی ایران

برخلاف حقوق ایالات متحده که در آن تحقیقات تجربی بسیاری درخصوص تأثیر شیوه انتخاب قاضی بر استقلال قاضی صورت گرفته است؛ در حقوق ایران تحقیقی در این خصوص انجام نشده است.

قسمتی از اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: وظایف رئیس قوه قضاییه به شرح زیر است: «استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آن‌ها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند این‌ها از امور اداری طبق قانون» و طبق اصل ۱۶۲: «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود». همچنین طبق ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری (مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴) قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می‌شوند:

۱. ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران و طهارت مولد،
  ۲. تابعیت ایران و انجام خدمت وظیفه یا دارا بودن معافیت قانونی،
  ۳. صحت مزاج و توانایی انجام کار و عدم اعتیاد به مواد مخدر،
  ۴. دارا بودن اجتهاد یا اجازه قضا (به کسانی که دارای لیسانس قضایی یا لیسانس الهیات رشته معقول یا لیسانس دانشکده امور قضایی و اداری وابسته به دادگستری یا مدرک قضایی از مدرسه عالی قضایی قم هستند یا طلابی که سطح را تمام کرده و ۲ سال خارج فقه و قضا را با امتحان و تصدیق جامعه مدرسین دیده باشند).
- پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، رئیس قوه قضاییه، تنها فردی است که مطابق اصل ۱۵۸ و اصل ۱۶۲ قانون اساسی، در مورد استخدام و انتخاب قاضی، وفق ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری (مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴) تصمیم می‌گیرد. قبل از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، صلاحیت علمی و قضایی درخواست‌کنندگان انجام خدمت در قوه قضاییه به تأیید شورای عالی قضایی می‌رسید. استخدام قضات از رهگذر شورای عالی قضایی را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ

قانونگذاری در راستای استقلال قضایی دانست. شورای عالی قضایی که به نظر می‌رسید با اقتباس از حقوق فرانسه برای ارتقای استقلال قضایی پیش‌بینی شده بود، در سال ۱۳۶۸ و پس از بازنگری قانون اساسی حذف شد و امور مربوط به قوه قضاییه به شخص واحد، یعنی رئیس قوه قضاییه واگذار شد. انتخاب قاضی توسط رئیس قوه قضاییه که یک مقام سیاسی است، با اختیارات وسیعی که پس از نصب بر سرنویشت شغلی قضات دارد، ممکن است تأثیرات نامطلوب بر استقلال قضایی بگذارد.

در مورد شرایط انتخاب‌پذیری قاضی در نظام حقوقی ایران باید خاطر نشان ساخت که شرایط عقیدتی و اخلاقی که در فقه امامیه و به تبع آن در نظام حقوقی ایران وجود دارد، موجب ارتقای شایستگی قضات ایرانی و به تبع آن بهبود استقلال قضایی می‌گردد. نظام حقوقی ایران دارای این مزیت است که گرایش به تحقق قضای اسلامی دارد. در قضای اسلامی، دادرس از استقلال کامل برخوردار است؛ به این معنا که در رسیدگی و صدور حکم فقط باید به دستیابی عدالت از طریق اجرای قانون و احکام الهی بیندیشد و ملاحظات و مصلحت‌اندیشی‌های دیگر را مدنظر نداشته باشد. بخصوص دادرس نباید تحت نفوذ هیچ مقام اجرایی حتی رئیس دولت و حکومت اسلامی، حتی شخصی که او را نصب کرده باشد یا از کسی فرمان و توصیه بپذیرد. شاید بسیاری از صفاتی که در اسلام برای دادرس معتبر دانسته شده است، برای تأمین اصل استقلال دادرس و بیطرفی او است. صفاتی مانند عدالت، علم و اجتهاد، فراست و هوشیاری و شجاعت و بسیاری از احکام و آدابی که برای قضا ذکر شده نیز در جهت حفظ استقلال وی و تضمین سلامت آرای است که از دادگاه اسلامی صادر می‌شود. از آن‌جا که دادرس نباید تحت نفوذ و سیطره دیگران باشد و این سیطره اعم از مادی و معنوی است، لذا دادرس نباید وامدار دیگران باشد. حرمت اخذ رشوه و هدیه براساس همین ملاک است.

جدا از ویژگی‌های خاص نظام حقوقی ایران در خصوص صفات قاضی، تفاوت بنیادین نظام حقوقی ایران و ایالات متحده در این است که قضات ایرانی از سوی یک مقام سیاسی منصوب می‌شوند و دارای حقانیت دموکراتیک بسیار نازلی هستند. اما در ایالات



متحد، قضات فدرال با تأیید مجلس سنا انتخاب می‌شوند. در سطح ایالات نیز نوعی از انتخابات قضایی برگزار می‌گردد. این امر پاسخگویی این مقامات را به مردم و استقلال آن‌ها را در برابر مقامات سیاسی ارتقا بخشیده است.

نکته دیگری که درخصوص شرایط داوطلبان امر قضا جلب توجه می‌کند عدم شفافیت شرایط عقیدتی، سیاسی و اخلاقی است که قانونگذار برای داوطلبان امر قضا در نظر گرفته است. در واقع، مفهوم عدالت، تعهد عملی به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران روشن نیست. به بیان دیگر، این شرایط قابلیت احراز و بررسی نداشته، مصادیق آن روشن نیست. امنیت حقوقی افراد داوطلب امر قضا، ایجاب می‌کند که قانونگذار شرایط انتخاب‌پذیری و شایستگی آن‌ها را به طور شفاف معلوم می‌ساخت. در ایالات متحده نیز شاهد چنین وضعی هستیم. رئیس جمهور ایالات متحده در انتخاب قضات فدرال در درجه اول به دنبال افرادی است که با دیدگاه سیاسی وی همسو باشند. اما تفاوت وضعیت حقوق ایران و ایالات متحده از آنجا ناشی می‌شود که رئیس جمهور ایالات متحده اختیاری درخصوص سرنوشت قضات انتصابی ندارد. اما رئیس قوه قضاییه و مقامات عالی رتبه دستگاه قضایی، پس از انتصاب دارای اختیارات وسیعی درخصوص سرنوشت شغلی قضات هستند.

#### ۴. نتیجه

با بررسی روش‌های انتخاب قاضی در ایالات متحده نتایج ذیل حاصل شد:

بخش ۲ از ماده ۲ قانون اساسی ایالات متحده لازم می‌داند که انتصاب قضات فدرال مشمول ماده ۳ قانون اساسی توسط رئیس جمهور با مشورت و رضایت مجلس سنا انجام شود. در مورد شیوه انتخاب قضات فدرال دریافتیم با آن‌که فرایند انتخاب قضات فدرال، سیاسی است، اما هرگز نمی‌توان این ایده را تأیید کرد که صرف انتصاب قضات فدرال به مقام قضایی توسط مقامات سیاسی می‌تواند استقلال آن شخص را در انجام وظایف قضایی خود به خطر اندازد؛ زیرا این مقامات نمی‌توانند قاضی را به میل خود یا

براساس مبانی ناصحیح اخراج کنند. مادام العمر بودن، به قضات فدرال امکان می‌دهد که در اجرای وظایف خود آزادانه و بدون واژه در مورد هر دعوایی تصمیم بگیرند. قضات ایالتی از طریق انتخابات قضایی به منصب قضایی راه می‌یابند و برای انتخاب مجدد باید در انتخابات قضایی شرکت کنند. در بررسی خود دریافتیم اگرچه انتخابات قضایی دارای مشکلاتی است، اما مزایا و منافع بسیار زیادی نیز دارد؛ به طوری که بجز شیوه انتخابات هوادارانه، سایر روش‌های انتخابات قضایی دارای منافع بسیاری بوده و موجب استقلال قاضی از مقامات سیاسی شده است.

در مطالعه تطبیقی خود به این نتیجه رسیدیم که موازین فقهی انتخاب قاضی در نظام حقوقی ایران، دارای این مزیت است که افراد دیندارتری به عنوان قاضی انتخاب می‌شوند. اما عدم شفافیت و ابهام در شرایط سیاسی و عقیدتی و روش انتصاب سیاسی که قانونگذار ایرانی در نظر گرفته است، از یک سو موجب تنزل امنیت حقوقی داوطلبان امر قضا می‌گردد و از سوی دیگر دخالت مقامات سیاسی را در فرایند انتصاب گسترش می‌دهد.

مزیت روش انتخاب قاضی در نظام حقوقی ایالات متحده در مقایسه با ایران آن است که قضات آمریکایی در مقایسه به هم‌تایان ایرانی خود از حقانیت دموکراتیک بیشتری برخوردارند و از این منظر پاسخگویی بیشتری به مردم دارند.

## ۵. منابع

- [1] Ginsburg, T. "Judicial appointment and judicial independence", papers series for U.S institute for peace . paper available at <http://ssrn.com>, (2009).
- [2] Guidance for promoting judicial independence and impartiality, papers f USAID(NGO)availableat:[www.usaid.gov/our\\_work/democracy\\_and.../pna cm007.pd](http://www.usaid.gov/our_work/democracy_and.../pna cm007.pd).



- [3] Wheeler, R. "Judicial independence in united states: current issues and relevant background", *Colombia Law Review*, vol.34 .no.5. ,(2005).
- [4] Tracy, G. "Judicial independence and the ambiguity of article III protection", *OHIO State Law Journal*, vol.64, (2003).
- [5] Freund, P." Federal appointment, tenure, and independence", *Harvard Law Review*, vol.101 .:1146-1163, (1998).
- [6] Slotnick, E." Federal judicial recruitment and selection research:A review Essey". *Judicature 71*, (1988).
- [7] Gehhard, M. "The federal appointment process", durham, *DukeUuniversity Press* . Vol.76, (2000).
- [8] Burbank, S. "Politics, privileg and power: the separate role in appointment of federal judge", *86 judicature*, (2002).
- [9] Rehnquist, W. "Remarks of the chief justice, Washington college of law, continental celebration plenary academic panel": *the future of the federal courts*. (speech) .(1996).
- [10] Cross, F. "Thoughts on goldilocks and judicial independence", *OHIO State Law journal*, vol.64, (2003).
- [11] Philips, T. "Keynote address: electoral accountability and judicial independence", *OHIO State Law Journal*, vol.64, (2003).
- [12] The newsroom guide to judicial independence, an initiative of the constitution project, available at: [www.constitutionproject.org](http://www.constitutionproject.org)
- [13] Geyth, G." Methods of judicial selection and their impact on judicial independence", *Yale Law Journal*. Vol.94 , (2008).
- [14] Sharman, J. "Judicial ethics: independence, impartiality, integrity" *university of Newyork Law Journal*, vol.43, (1996).

- [15] Geyth, G." Methods of judicial selection and their impact on judicial independence", *Yale Law Journal*. Vol.94 , (2008).
- [16] Bradly, A. "Symposium on judicial election: selecting judges in th 21 century", *30 Cap.u.l.Rev* , (2002).
- [17] Penny j. white(2002)," Judging judges: securing judicial independence by use of judicial performance evaluation", *Fordham Urban Law Journal*, (2002).
- [18] Abrams, K. "some realism about electoralism: rethinking judicial campaign finance", *72 Sothern California Law Review* , (1999).
- [19] Kotey, P." Public financing for non\_partisan election judicial campaigns: protecting judicial independence while ensuring judicial impartialy, Florida university college of law", *Akron Law Review*. Vol.73 ,(2005).
- [20] Webster, P. "Selection and retention of judge: is there one best method?", *23 FLA. ST. U.L.REV*, (1995).
- [21] Blume, J. Eisenbegrg, T. "Judicial politics, death penalty, and case selection: An empirical study", *72 Southern California Law Review* , (1999).
- [22] Cheek, K." Money in texas supreme court election:1980\_1998", *84 Judicature* , (2000).
- [23] Golbert, D. "Public funding of judicial elections: the role of judge and rule of campaing finance", *64 OHIO st.l.j.95*, (2003).
- [24] Rehnquist, W. "Structrural foundation of judicial independence", *California Law Review*, Vol.72 ,(2005).
- [25] Dubais, P.(1986), "Accountability, independence and the selection of state judge: the role of popular election", *40.sw.l.j.* , (1986).
- [26] Rottman, D. Schotland.R. "What makes judicial election unique"? 34, *loy*.



*La.l.Rev*, (2001).

- [27] Wyne, A. "Judicial diversity: where independence and accountability meet", *Albany Law Review*, vol.67, (2004).
- [28] Hassen, A." Learning about judicial independence and institutional change in the state courts", *University of OHIO, Journal of Legal Studies*. Vol.39,(2004).
- [29] Berkowitz, D. "The effect of judicial independence of courts: evidence from the American states, University of Pittsburgh", *Journal of Legal Studies*.vol.64, (2008).

